

پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی

(نمونه پژوهی: ترکیه و ایران)

*محسن خلیلی

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

هادی صیادی

کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد

جهانگیر حیدری

کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۸ خرداد ۱۳۹۱ - ۲۴ مهر ۱۳۹۱)

چکیده

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه ژنتیک جغرافیایی سیاست است و برخاسته از جغرافیا که سیاست خارجی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایران با داشتن ۱۵ کشور، همسایه یک منطقه ژئواستراتژیک است. شناخت ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیک موجود در کشورهای همسایه، می‌تواند نقش مؤثری در بکار گرفتن سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلیتیک ایران ایفا کند. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه، مطالعه ژنوم‌های ژئوپلیتیک این کشور برای جهت‌شناسی سیاست خارجی ایران ضروری است. نویسندگان با تحلیل درون‌مایه‌های ژئوپلیتیک ترکیه و ایران، کوشش کرده‌اند تا در قالب تقابل کد-ژنوم‌های ترکیه و ایران پیامدهای این تقابل و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور را تحلیل کنند.

کلید واژه‌ها

ژنوم ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، ترکیه، ایران

*Email: khalilim@um.ac.ir

مقدمه

ژئوپلیتیک «شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است» (میرحیدر، ۱۳۷۷، ص ۲۲) و نیز «اثر محیط و شکل‌ها یا پدیده‌های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل سرزمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی) و وسایل ارتباط جمعی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطح‌های گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند» (مجته‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸). با بهره‌گیری از پیوند دوسویه کد-ژنوم ژئوپلیتیک، این پاسخ را می‌توان طرح کرد: به‌نظر می‌رسد کد-ژنوم‌های ژئوپلیتیک در شکل‌گیری و جهت‌دهی به سیاست خارجی کشورهای همسایه بیشتر از سایر مؤلفه‌های تعیین‌کننده سیاست خارجی نقش داشته باشد.

مبانی نظری

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تأثیری زیادی در شکل دادن به رفتارهای نظام سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان-ها بنا بر نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راه‌بری می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کد ژئوپلیتیک، نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور اختصاصی است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به هدف‌های خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذارند. ژنوم ژئوپلیتیک یا نقشه ژنگان سیاست جغرافیایی یک کشور به‌عنوان کدهایی ژئوپلیتیک از طرف کشورهای رقیب دانسته شده و برنامه‌های تصویری و ذهنی سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راه‌بری می‌کند. یک کشور براساس نقشه ژنگان خود سیاست خارجی خود را سازمان‌دهی می‌کند و کشور رقیب با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور سعی بر خنثی‌سازی سیاست‌های خارجی آن کشور دارد.

حجم قابل توجهی از سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای کشور قرار دارد. ویژگی‌های جغرافیایی بیشتر نقش بنیادین را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت مانند قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی بازی می‌کنند که نویسندگان این نوشتار از آنها به عنوان ژنوم ژئوپلیتیک یاد کرده‌اند. نقش آفرینی بازیگران سیاسی کشورها، در فرآیند فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک در چارچوب راهبردهای بکارگرفته شده، اهمیت زیادی دارد. ژنوم‌های ژئوپلیتیک عبارت هستند از واقعیت‌های جغرافیایی که بنا بر اهمیت و نقش مثبت و یا منفی‌ای که می‌توانند در عرصه سیاست خارجی داشته باشند، مورد توجه قرار می‌گیرند.

کد ژئوپلیتیک در هشت مورد با ژنوم ژئوپلیتیک متفاوت است: کد ژئوپلیتیک همان ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در کشور رقیب یا کشور هدف است. ژنوم ژئوپلیتیک همان واقعیت‌های جغرافیایی موجود در محدوده مرزهای سیاسی کشور خودی است. کد ژئوپلیتیک در حوزه مطالعاتی مباحث مربوط به ژئوپلیتیک است. ژنوم ژئوپلیتیک در حوزه مطالعاتی مباحث در ارتباط با جغرافیای سیاسی است. از برقراری ارتباط مؤثر بین ژنوم‌های خودی با کدهای کشور رقیب، یک سیاست خارجی بر مبنای واقعیت و به دور از آرمان‌گرایی شکل می‌گیرد. ژنوم با امکانات ملی نیز اختلاف معنی دارد. زیرا امکانات ملی به آن دسته از مؤلفه‌های جغرافیایی و انسانی گفته می‌شود که موجب قدرت ملی شود. این مؤلفه‌ها در دوران‌های متفاوت زمامداری، ممکن است متفاوت باشند. اما ژنوم ژئوپلیتیک تمام عواملی را که در قدرت ملی یک کشور نقش مثبت و منفی دارد، به صورت بالفعل و یا بالقوه مورد مطالعه قرار می‌دهد. کد ژئوپلیتیک در حوزه مطالعات سیاست خارجی و در راستای توسعه نفوذ سیاسی بکارگرفته می‌شود. ژنوم ژئوپلیتیک در حوزه مطالعات سیاست داخلی قرار داشته و در راستای جلب رضایت ملت و توجیه داخلی و بستر سازی سیاست خارجی بکارگرفته و شناسایی می‌شود.

ژنوم‌های جغرافیایی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

الف - موقعیت ژئواستراتژیک

اروپایی - آسیایی بودن، ترکیه را از نظر موقعیت ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است. با فروپاشی اتحاد شوروی، بر این اهمیت افزوده شد. کشور ترکیه از سه طرف

دریای سیاه در شمال، دریای مدیترانه در جنوب و دریای اژه در غرب به وسیله آب احاطه شده است. در شمال غربی دریای داخلی مهمی به نام دریای مرمره وجود دارد که از سمت شمال به وسیله تنگه مهم و راهبردی بسفر به دریای سیاه و از راه تنگه مهم داردانل به دریای اژه متصل می شود (دهی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴).

ب- تنوع قومیت‌ها و مسئله کردها

از زمان عثمانی‌ها ترکیب ترک‌های مهاجم با نژاد مدیترانه‌ای، ترکیب جدید نژادی «مدیترانه‌ای - مغولی» را به وجود آورده است که وجه غالب نژادی در این کشور است. ۸۵ درصد جمعیت ترکیه، ترک و ۱۵ درصد اقلیت‌هایی چون کردها، ارمنه، گرجی‌ها، یونانی‌ها و عرب‌ها هستند. کردها بزرگ‌ترین اقلیت ترکیه هستند که بیش‌تر در جنوب شرقی این کشور ساکن هستند. ارمنه بیشتر در اطراف دریاچه وان، گرجی‌ها در سواحل دریای سیاه، یونانی‌ها در استانبول و عرب‌های ترکیه در کنار مرزهای عراق و سوریه و در جنوب شرق ترکیه اسکان گزیده‌اند. در میان اقلیت‌های ترکیه، کردها و ارمنه سعی در حفظ اصالت قومی و مذهبی خود کرده و از این نظر نیز مورد توجه دولت‌های ترکیه بوده‌اند (ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳). در واقع، مسئله کردها برای ترکیه موضوعی حیاتی است و برای آنکارا هیچ‌یک از مسائل راهبردی بیرونی و درونی به اندازه واگرایی سنتی کردها مهم نیست.

سالانه حدود ۳۰ درصد بودجه نظامی کلان ترکیه صرف مهار کردها می‌شود و ترک‌ها بارها با همسایگان شرقی و جنوبی خود بر سر این مسئله به مشاجره پرداخته‌اند. تهدید سوریه به جنگ همه جانبه، هجوم‌های نظامی دوره‌ای و مستمر به شمال عراق، بمباران روستاهای مرزی ایران و حتی تهدید دولت‌های خارج از منطقه مانند ایتالیا و روسیه به قطع روابط در صورت حمایت از کردها، تنها بخشی از حساسیت‌های ترکیه در این زمینه را منعکس می‌کند. آسیب‌پذیری ترکیه در مقابل بحران‌های برخاسته از کردها حتی بیش از عراق است. به تعبیری، آسیب‌پذیری شدید ترکیه نسبت به پاشنه آشیل کرد، نقطه ضعف مشخص این کشور است که گاه آزار همسایگان را در پی داشته است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹، صص ۵۸-۵۶).

ج- دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه را می‌توان با تغییرهای کلی روی داده در اقتصاد این کشور در این دوره در ارتباط دانست. هنگامی که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید، کشور درگیر بحران اقتصادی بود. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۱ عقب نشینی مهمی برای اقتصاد ترکیه بود. سقوط قابل توجه درآمدها با افزایش چشمگیر بیکاری همراه شد. این بحران همه بخش‌های جامعه از ثروتمند و فقیر و تحصیل کرده و تحصیل نکرده را به‌گونه‌ای در بر گرفت. با وجود این اثرهای منفی، بحران یک اثر مثبت جنبی هم داشت که مقاومت‌ها را علیه اصلاحات درهم شکست و دست کنشگران خارجی - صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا- را برای شتاب بخشیدن به اصلاحات باز کرد (Onis & Bakir, 2007, p.148).

سیاست‌های آزاد سازی اقتصادی، دو محور مهم فکری و عملی داشت. در واقع، در محور فکری دولت ترکیه باور دارد که این کشور باید خود را با واقعیت‌های نظام اقتصاد جهانی لیبرال منطبق کند و سیاست‌های مشخصی از این الگو مانند خصوصی‌سازی، کاهش نقش دولت و بازکردن بازار ملی برای سرمایه‌های خارجی به شکل بی‌سابقه‌ای به اجرا در آمد (Bacik, 2006, p. 303). این سیاست‌ها از سویی سبب رشد سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه شد و از سوی دیگر، دست بخش خصوصی ترکیه را برای فعالیت در دیگر کشورها باز کرد. این گروه‌ها نماینده تاجران مسلمان محافظه‌کاری هستند که پایه حمایتی حزب عدالت و توسعه را تشکیل می‌دهند. دولت نیز با حمایت از این گروه‌ها سعی دارد نقش منطقه‌ای ترکیه را ارتقا دهد و بازسازی اقتصادی کشور را سرعت ببخشد (Cornell, 2001, p. 246). دیدگاه کارکردی ترکیه در عرصه اقتصاد در سیاست انرژی هم مؤثر است. سامانه انرژی ترکیه با هدف هماهنگی با اوضاع بین‌المللی و به‌ویژه اروپا، از نو سازماندهی شد. این کشور در همکاری با دولت‌های دیگر در زمینه انرژی تردید نشان نداده و با وجود مشکلات با کشورهایی چون ایران، یونان و روسیه در همکاری انرژی با آنها موفق بوده است (Bacik, 2006, p. 307).

راهبرد منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز

شکل‌گیری حوزه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز از دلیل‌های بروز تغییرهای اساسی در روند سیاست خارجی ترکیه است. این کشور بنا به الزام‌های امنیتی ناشی از تهدید اتحاد

شوروی از آغاز جنگ سرد تا پایان آن با پیوستن به ترتیبات دفاعی غرب از جمله ناتو، در این منطقه انجام وظیفه می‌کرد. ترکیه، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی اهمیت راهبردی خود را برای غرب از دست داد. بروز برخی اختلاف‌ها بین آمریکا و ترکیه گواه آن است. اما در همین زمان فروپاشی اتحاد شوروی امکاناتی تازه پیش‌روی کشورهای منطقه قرار داد (رفیع و مظلومی، ۱۳۹۱، ص ۸۵). فروپاشی اتحاد شوروی سبب شد کشورهای این منطقه دو قطبی در مرزهای بین دو قدرت جای داشتند، با موقعیت ژئوپلیتیک جدیدی روبرو شوند و موجب شد که سیاست‌گذاران خارجی این کشورها سیاست‌های جدیدی در رویارویی با این تغییرها در محیط منطقه و نظام بین‌الملل بکار گیرند. ترکیه یکی از کشورهای این منطقه بود که با فروپاشی اتحاد شوروی در فکر ایجاد اتحادیه‌ای از کشورهای ترک‌زبان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برآمد (Sandrin, 2009, pp. 3&8).

مهم‌ترین عوامل نزاع ترکیه با کشورهای دیگر در منطقه دو زمینه است: ارائه مدل‌های متفاوت توسعه برای کشورهای منطقه، زیرا در دوران شوروی، سوسیالیسم به‌عنوان یک مدل غالب برای توسعه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شناخته می‌شد، اما پس از فروپاشی اتحاد شوروی و مدل توسعه سوسیالیستی در مناطق تحت سلطه مسکو یک خلاء سیاسی و ایدئولوژیک به‌وجود آمد. ویژگی‌های خاص فرهنگی منطقه و حضور کشورهای دیگر در این منطقه، بلافاصله پس از استقلال این کشورها در منطقه موجب شد که رقابت بین‌الگوهای متفاوت توسعه را برای کشورهای منطقه شاهد باشیم. ترکیه الگوی جمهوری بی‌دین را تبلیغ می‌کرد و موفقیت‌هایی بدست آورد و به‌عنوان یک کشور متحد غرب و غیر دینی توانست با نفوذ در این مناطق از گسترش بنیادگرایی اسلامی که مطلوب غرب نبود، جلوگیری کند. اما برتری الگوی ترکیه هم با مشکلاتی روبرو شد. زیرا ترکیه در این سال‌ها با چالش‌های داخلی زیادی از جمله شورش داخل کردها، خیزش اسلام‌گرایی در داخل و مشکلات اقتصادی و بالابردن نرخ تورم و بدهی خارجی بالا، روبرو بود که رهبران این جمهوری‌های نوپیدا را به این نتیجه رساند که در مورد توانایی‌های ترکیه عراق شده است و هیچ‌یک از الگوها نتوانستند نیازهای توسعه کشورهای این منطقه را پاسخ دهند و با ناکامی روبرو شده‌اند.

رقابت در زمینه انتقال نفت و گاز، مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری حوزه‌های اصلی هستند که ایجاد روابط اقتصادی ترکیه و کشورهای دیگر را در این منطقه مشخص

می‌کند (قائم‌پناه، ۱۳۹۰، صص ۷۴-۷۵). ایران و ترکیه به‌عنوان همسایگان حوزه جنوبی شوروی، هم با هدف یافتن جایگاهی در فرصت‌های پیش‌رو در این منطقه و هم با هدف رفع نیازهای این کشورها در عرصه داخلی هر یک با بهره‌گیری از سیاست‌های خاص، بیشتر بر پایه متغیرهایی چون اشتراک‌های فرهنگی، ملاحظات ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک به رقابت با هم پرداختند (رفیع و مظلومی، ۱۳۹۱، ص ۸۱). دولت ترکیه در جهت متنوع کردن سیاست قفقازی خود تلاش کرد همکاری با اتحادیه اروپا و روسیه را در حل بحران‌های قفقاز جنوبی و همچنین تأمین امنیت انرژی اروپا توسعه دهد. در این راستا روابط خود را با روسیه در ابعاد اقتصادی، نظامی و سیاسی ارتقا داد (Bishku, 2009, p. 77).

بهبود روابط ترکیه و روسیه با قرارداد گازی سال ۱۹۸۴ بین دو کشور آغاز شد. اما به‌علت عضویت ترکیه در ناتو، روسیه همواره به این رابطه با تردید نگاه می‌کرد. پایان جنگ سرد نیز با توجه به سیاست‌های غرب محور ترکیه در مناطق خارج نزدیک روسیه، تأثیر مثبتی بر بهبود روابط دو طرف نگذاشت (Ozertem, 2010). پیروزی حزب عدالت و توسعه و تغییر رویکرد ترکیه به چندجانبه‌گرایی و از میان برداشتن مشکلات با همسایگان تغییرهای مهمی بود که موجب توسعه همکاری‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی دو جانبه و همچنین همکاری‌های امنیتی در مناطق پیرامونی مانند قفقاز جنوبی شد. همکاری دو کشور در حل بحران‌های منطقه‌ای قره‌باغ، اوستیای جنوبی، آبخازیا و همراهی روسیه در فرآیند نزدیکی ترکیه و ارمنستان و همچنین طرح ۲+۳ ترکیه، که رویکرد منطقه‌ای به حل بحران در قفقاز جنوبی داشت، نمونه‌هایی از این همکاری‌ها است (Torbakov, 2008).

پیوستن به اتحادیه اروپا

از هنگام تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به غرب و به‌ویژه اروپا، اولویت اصلی این کشور بوده است. در حالی که در گذشته روابط دو طرف همراه با بی‌اعتمادی بوده است، اما در حال حاضر ترکیه نزدیک‌ترین روابط را با اروپا دارد. موقعیت خاص ترکیه باعث شده است تا کشورهای اروپایی برای تأمین منافع خود و به‌ویژه منافع امنیتی، نیازمند همکاری ترکیه باشند. همچنین اتحادیه اروپا نیز به موقعیت ترکیه آگاه و معتقد است که پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا جایگاه اروپا را در منطقه تقویت خواهد کرد. این وضعیت نوعی وابستگی متقابل امنیتی را میان

ترکیه و غرب ایجاد کرده است و دلیل آغاز گفت و گوهای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی را باید در همین واقعیت‌ها جستجو کرد. با فروپاشی نظام دوقطبی، هویت خارجی اتحادیه اروپا از یک سازمان اقتصادی به یک حامی مردم‌سالاری تغییر پیدا کرد. این درحالی بود که در جامعه ترکیه دو تحول بسیار مهم روی داد: اوج‌گیری حرکت‌های اسلامی، تقویت ملی‌گرایی کردی که روند دموکراتیک‌سازی را در این کشور با مشکلات جدی روبرو کرد و موجب بی میلی رهبران اروپایی به پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا شد. با فروکش کردن جریان‌های اسلام‌گرا و سپس برگزاری انتخابات، فضای متشنج سیاسی ترکیه بهبود یافت و زمینه برای توجه به حقوق بشر و دموکراسی افزایش یافت. در همین روند ترکیه درخواست رسمی خود را برای عضویت کامل در جامعه اروپا و اتحادیه گمرکی اروپا ارائه کرد و در ژانویه ۱۹۹۶ به‌عنوان آخرین گام به عضویت اتحادیه گمرکی اروپا پذیرفته شد (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷، صص ۱۶۰-۱۶۲).

هیدروپلیتیک

هیدروپلیتماسی به معنی توان بالقوه تفاهم و مدیریت بر سر آب‌های بین‌المللی، زیرشاخه‌ای از هیدروپلیتیک است. دیپلماسی آب به توانایی کشورهای هم‌سود مربوط می‌شود که مایل هستند منابع آب‌های مشترک خود را به‌شکلی مدیریت کنند که از نظر سیاسی یک وضعیت پایدار به‌وجود آید؛ یعنی منابع مشترک آب بدون هرگونه منازعه‌ای بین دو طرف یا طرف‌های حقیقه‌بر مورد استفاده قرار گیرد (پاپلی‌یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). براین اساس، قابلیت ترکیه برای اعمال فشار آبی بر کشورهای دیگر محدود و دارای مقیاس محلی و حداکثر منطقه‌ای است. بخشی از رودهای ارس، ساری‌سو، جلیک، زولاچی، شهرچای و نازلوچای از خاک ترکیه تأمین می‌شود. ترک‌ها که در استفاده از ابزار آب علیه همسایگان‌شان سابقه زیادی دارند، در موقعیتی هستند که می‌توانند کمابیش از این توانایی بهره‌برداری سیاسی کنند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۶۵).

عضویت در پیمان نظامی ناتو

ترکیه شرقی‌ترین عضو ناتو، با وجود ظرفیت‌های زیاد نظامی به‌ویژه قابلیت عالی نیروی زمینی‌اش و نیز زمینه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی با قفقاز و تمایل راهبردی به نفوذ

در این مناطق، به تدریج تبدیل به پیشانی ناتو در این منطقه شده است. از این رو، ترکیه از طرف ناتو تمامی اقدام‌های مستشاری، آموزشی و کمک‌رسانی نسبت به ارتش‌های جمهوری آذربایجان و گرجستان را به عهده دارد. راهبرد ناتو برای توسعه نفوذ در قفقاز و آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از راهبرد کلی این سازمان در مناطق تحت نفوذ و کشورهای نواستقلال تداوم خواهد یافت. با این تفاوت که به‌دلیل حساسیت این منطقه به‌دلیل ترکیب قومی، مذهبی و قابلیت‌های ژئواستراتژیک و هیدروکربنی، این کار نیاز به ظرافت و حوصله دارد. این راهبرد با هدف‌های اعلام‌شده ایران و روسیه سازگار نیست. ایران همواره ترکیه را برای پیگیری همکاری راهبردی سه‌جانبه ترکیه با آمریکا و اسرائیل به موازات تلاش‌های توسعه‌ای ناتو نکوهش کرده است.

ژنوم‌های جغرافیایی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

الف- تنگه راهبردی هرمز و داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان

در اختیار داشتن تنگه هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط بر بهترین گلوگاه انرژی جهان کرده است. اهمیت تنگه هرمز «کالینز» را وادار به اظهار نظر کرده است: «تنگه هرمز ممکن است ما را در یک جنگ زود هنگام گرفتار کند. در صورت وقوع، عوامل مختلف مانند جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت درهم می‌آمیزند و موقعیت حساسی را به‌وجود می‌آورند» (گل‌وردی، ۱۳۸۹، ص ۱۲). موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب بهترین و مطمئن‌ترین موقعیت سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم آورده است (اخباری و نامی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹).

ب- تکثر قومی و تنوع زبانی

یک گروه قومی از آن‌رو با گروه‌های قومی دیگر تفاوت و مرزبندی دارد که هویتی متفاوت - خواه واقعی یا تصویری- برای خود قایل بوده و کمابیش براساس همین تفاوت هویتی رفتار می‌کند. این مفروض، گزاره‌ای مورد مناقشه نیست. نکته مهم مناقشه‌انگیز شکل تأثیرگذاری این متغیر هویت‌بخش بر سیاست خارجی است (حق‌پناه، ۱۳۹۰، ص ۸۴). اگرچه بیشتر حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در محدوده سرزمینی کشورها محصور است، اما وقتی که حکومت‌ها نتوانند به تقاضاها پاسخ مناسب دهند و یا نتوانند به روش مناسب به سرکوب یا مهار تجزیه‌طلبان اقدام کنند، گرایش به کسب حمایت خارجی به‌ویژه از سوی کشورهای همسایه و گروه‌هایی که با

آنها وابستگی قومی، نژادی و یا پیوندهای فرهنگی دارند، تقویت می‌شود. اتحاد بین گروه‌های محلی، ناحیه‌ای ناراضی و بازیگران خارجی موجب درهم بافته شدن تهدیدهای داخلی و خارجی می‌شود و در نتیجه مدیریت امنیت ملی را با مشکل روبرو می‌کند. ایران به شکل طبیعی تکثر قومی دارد و یکی از ناهمگن‌ترین کشورهای خاورمیانه است (عزتی، ۱۳۸۹، ص ۱۳). ایران از نظر ناهمگنی زبانی در شمار ده کشور نخست دنیا و اولین کشور از این نظر در جهان اسلام است. بارها در طول حیات سیاسی خود شاهد اوج‌گیری تنش‌هایی با منشأ قومی بوده است (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). به این دلیل باید در پی شناسایی دقیق و طبقه‌بندی ظرفیت‌های مثبت و منفی این ژنوم بود.

ج- قدرت نرم (مرکزیت فرهنگی)

قدرت نرم آن‌دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی است که به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیج و تویسرکانی و جعفری، ۱۳۸۸، ص ۲۲۶). قدرت نرم هر کشوری از سه منبع فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که بنا بر افکار عمومی داخل و خارج باشد) و سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شوند) سرچشمه می‌گیرد. برخی راهکارهای عملی دست‌یابی به قدرت نرم در ایران، چنین است: پیوندهای قومی، مذهبی و زبانی با کشورهای همجوار، شبکه‌های خبری و رسانه‌ای مانند العربیه، جام جم، پرس تی وی و روزنامه‌های تهران تایمز، ایران دیلی، ظرفیت بالای گردشگری پذیرنده‌شکلی که در رده ۱۰ کشور برتر دنیا قرار دارد، نزدیکی مذهبی با ۱۵ کشور در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه، به‌عنوان مهد تشیع و مرکزیت جهان شیعه، آمار بالای تولیدات علمی و داشتن نخبگان علمی زیاد در کشورهای غربی، هویت فراملی و فرامرزی زبان فارسی. به صورت کلی ایران بیشترین میزان کاربرد قدرت نرم‌افزاری را در منطقه ژئوپلیتیک اوراسیای مرکزی دارد (حق‌پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲).

د- ژئوپلیتیک شیعه

این مؤلفه همواره در سیاست خارجی ایران از گذشته به‌شکلی مطرح بوده است. برخی معتقد هستند که حتی رژیم گذشته با وجود باور نداشتن به استفاده از ابزار ایدئولوژیک در

پیشبرد سیاست خارجی به نوعی از ابزار شیعی برای افزایش نفوذ در منطقه استفاده کرده است (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۳۳). ایران پایگاه اصلی تشیع در منطقه خاورمیانه است. بعد از حمله آمریکا به عراق نقش مذهب شیعه در تحولات خاورمیانه مشخص تر شده است. زیرا بسیاری از جمعیت شیعیان در سواحل خلیج فارس و در حوزه‌های نفتی پراکنده شده‌اند، تاجایی که بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت سواحل خلیج فارس شیعه هستند. این عامل بر اهمیت ژئوپلیتیک شیعه می‌افزاید (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۲۹). سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوع اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد «سیاست تکثرگرایی وحدت طلب دینی» بنا شده است (ترابی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲).

ه- وسعت سرزمینی و فضاهاى خالی گسست‌آفرین در مرکز

بی‌شک با ثبات‌ترین دلیل قدرت یک ملت، جغرافیای آن کشور است. عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، ناهمواری‌ها، منابع آب و موارد دیگر با قدرت دولت رابطه مستقیم دارند. هر یک از دلیل‌ها بدون در نظر گرفتن دلیل‌های دیگر ممکن است نه تنها دلیل مثبت بلکه نقش یک دلیل منفی را ایفا کنند. در واقع هر جا که سرزمین‌های بی‌حاصل و گسترده مراکز جمعیت را از هم جدا کند، وسعت قلمرو یک دولت می‌تواند به صورت مانعی درآید. مگر اینکه وسائل ارتباطی مناسب گسترش یافته باشند. از سویی، جمعیت به تنهایی و بدون توجه به چگونگی کمی و کیفی پراکندگی آن، نمی‌تواند معیاری برای قدرت یک کشور باشد (اعظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰).

و- پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی

پیشینه دولت در فضای جغرافیایی فلات ایران به ابتدای قرن هشتم پیش از میلاد بازمی‌گردد. شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی باعث شد که قوم‌های ایرانی متحد شوند و نخستین دولت فراگیر را با نام «دولت ماد» به مرکزیت هگمتانه تشکیل دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۷). منظومه فرهنگی ایران، محصول چند هزار ساله ملتی کهن و برآیند تعامل جمعی گروه‌های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده‌اند و هر یک به سهم خود بر آن لایه‌هایی گوناگون با مؤلفه‌های مثبت و منفی افزوده‌اند. در نهایت، در این هویت کلان فرهنگی

جذب و خود بخشی از آن شده‌اند. هویت فرهنگی ایران چتر فراگیری است که همه گروه‌های قومی را در خویش جای داده است. از ویژگی‌های تاریخ ایران می‌توان به تنوع فرهنگی اشاره کرد. در بیشتر دوران‌های تاریخی، قوم‌ها با همدیگر همزیستی داشته‌اند و ایرانی بودن، آنان را در صف متحدی قرار داده است.

ز- ژئوتوریسم

گردشگری با نزدیک کردن مردم و فرهنگ‌های مختلف نقش مهمی در اقتصاد جهانی بازی می‌کند و از آنجا که گردشگری نیز در چارچوب یک سیستم عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد، رشد تجارت جهانی گسترش گردشگری را در مناطق مختلف جهان در قالب تجارتي سودآور سبب می‌شود. گردشگری به‌عنوان صنعتی نوپا در سال‌های اخیر تأثیرهای زیادی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان داشته است. ایجاد اشتغال، ارز آوری، تعادل منطقه‌ای، کمک به صلح جهانی، کمک به سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی، بهسازی محیط، کمک به بهسازی زیست‌گاه‌های حیات وحش، توسعه نواحی روستایی دارای جاذبه‌های گردشگری و جلوگیری از برون‌کوچی جمعیت و مانند آن، از جمله برتری‌های این صنعت بوده است (صدر موسوی و دخیلی کهنمویی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹).

ح- ژئوکالچر

فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از باورها، بینش‌ها، پیش‌فرض‌ها، علایق و رفتارهای یک ملت نسبت به امور سیاسی مانند حکومت، قدرت، رابطه ملت و حکومت، روابط خارجی و امنیت است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳). فرهنگ سیاسی یکی از پشتوانه‌های ایدئولوژی گروه حاکم است. اگر ایدئولوژی گروه حاکم، همچنان نامساعد به توسعه سیاسی باقی بماند، افزایش تقاضای مشارکت به تنش و ازهم‌گسیختگی سیاسی می‌انجامد. فرهنگ سیاسی در ایران به علت‌های پیچیده، برتری «فرهنگ تابعیت» در مقابل «فرهنگ مشارکت» بوده است و مجاری جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، روی هم رفته این‌گونه فرهنگ را تقویت می‌کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷). نتیجه برخی مطالعات نشان می‌دهد که ایرانی‌ها در معاشرت با یکدیگر مشکل دارند و به‌سرعت به سوی تنش، بدبینی و اختلاف سوق پیدا می‌کنند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰).

موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک

بر اساس نظریه مکیندر، شمال ایران جزء ناحیه محوری هارتلند و دیگر قسمت‌ها جزء هلال داخلی (حاشیه‌ای) است (زین‌العابدین، ۱۳۸۹، ص ۵۲) بر اساس نظریه اسپایکمن، ایران در محدوده ریملند قرار دارد. به اعتقاد وی این منطقه امکان ترکیب قدرت زمینی و دریایی را بهتر فراهم می‌کند. از طرف دیگر، بیشترین منابع نیروی انسانی و آسانی ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد (عزتی، ۱۳۸۸، ص ۱۴). بر اساس نظریه برژینسکی، آمریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و آمریکا سومین خط دفاعی راهبردی خود می‌داند. بنابراین کنترل مناطق و نقاط راهبردی، به‌ویژه تنگه هرمز اهمیت ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین مؤلفه راهبردی و ژئوپلیتیک خلیج فارس ذخایر نفت و گاز است.

ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها، نیازمند تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی است. ژئوپلیتیک، می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین کند. درک ژئوپلیتیک نسبت به نظام بین‌الملل به‌عنوان شاکله برآمده از قدرت در حال تحول دائمی جایگاه کشورها، دارای دیدی عمیق برای سیاست خارجی دولت‌ها است. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چارچوب‌های جغرافیایی قدرت ارائه این دید به سیاست‌گذاران است که منابع قدرت برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیک جهانی و روابط قدرت در سطح کروی و منطقه‌ای و نیز روابط بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (قالیاف و پورموسوی، ۱۳۸۷، ص ۵۵). ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجود آمده از موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. هیچ کشوری نمی‌تواند جهت‌گیری سیاست خارجی خود را مستقل از ماتریس ژئوپلیتیک خود طراحی و هدایت کند.

سیاست خارجی ایران

ژئوپلیتیک در روند گسترش طلبی قدرت‌های بزرگ در قرن ۱۹ و ۲۰ و درگیر کردن ایران در «بازی بزرگی» که بازیگران آن قدرت‌های جهانی بودند، نقش مؤثری ایفا کرد. در نتیجه سیاست

خارجی ایران شاهد الگوهای متفاوتی در طول این سال‌ها بوده است (اطاعت، ۱۳۷۳، ص ۴). با توجه به اهمیت زیاد دقت در ژئوپلیتیک ایران، باید بتوان توازن لازم در حل چالش‌هایی چون تنهایی استراتژیک - ژئوپلیتیک ایران، تعیین حوزه‌های تمرکز توجه ژئوپلیتیک، پرورش نگرش به سامان ژئوپلیتیک در گروه‌های تصمیم‌گیری، حل تعارض‌های ژئوپلیتیک و جهانی‌شدن و مدیریت چالش‌های جدید ژئوپلیتیک مانند ژئوپلیتیک جدید شیعه، تنش‌های هیدروپلیتیک، ژئوپلیتیک قومیت را برقرار کرد (سجادپور، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶). ایران در سده اخیر دو نوع رویکرد الگو بودن ملی‌نگر و جهان‌نگری را در سیاست خارجی خویش برگزیده است. در حالت اول نگرانی حاکمان، ساختن یک ایران الگو در منطقه بوده است و به سیاست خارجی ایران از نظر الگو بودن ایران برای خارج می‌نگریستند. در رویکرد دوم، نگرانی حاکمان ایران، ساختن یک ایران جهانی بوده است. برخی از آنان معتقد بودند که ایران باید کانون جهان اسلام شود و بیداری اسلامی را رهبری کرده و قدرت‌های بین‌المللی را سر جای خود بنشانند (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

سیاست خارجی ترکیه

سیاست خارجی ترکیه تا حد زیادی از موقعیت راهبردی آن متأثر است. افزون بر جغرافیا، سیاست خارجی ترکیه از تاریخ و اقتصاد هم ناشی می‌شود (طاهایی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸). دو جهت‌گیری مهم در سیاست خارجی ترکیه وجود دارد: حرکت به سوی غرب که ریشه گرفته از تفکر کمالیسم است. بیش‌تر نخبگان ترکیه از ابتدای شکل‌گیری رژیم جمهوری به این اصل باور داشتند و معتقد بودند که یک ترکیه مدرن و مستقل تنها از راه غربی شدن و اروپایی شدن قابل تحقق است. جهت‌گیری دوم، حرکت به سوی مناطق پیرامونی بوده است. در موازنه بین این دو، جهت‌گیری پیرامون‌نگری برتر است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲).

عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی ترکیه (Aras, 2003, pp. 107-116) داخلی (طیف گسترده‌ای از روابط خاص بین احزاب، نخبگان، ارتشی‌ها، کمالیست‌ها، اسلام‌گراها، اقلیت‌های قومی مانند کردها و اقلیت‌های مذهبی، رسانه‌ها، افکار، ایده‌ها و عمل این گروه‌ها)، منطقه‌-ای (مشکلات ترکیه با قبرس و یونان، روابط ترکیه با همسایگان و به‌خصوص ایران، عراق، ارمنستان و سوریه، مسئله منطقه‌ای کردها، روابط ترکیه با اسرائیل و سازمان‌های منطقه‌ای، تحولات بالکان، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه و به‌ویژه مسائل بوسنی و چچن) و

بین‌المللی (مردم سالار سازی، جهانی‌شدن و اسلام‌گرایی) هستند. در سیاست خارجی ترکیه نظریه پل وجود دارد؛ یعنی، ترکیه پل بین شرق و غرب و آسیا و اروپا بوده و وظیفه دیپلماسی ترکیه میانجیگری و همکاری میان دو طرف منازعه در پیرامون این کشور است (Soyzal, 2004, p. 39). با فروپاشی اتحاد شوروی، آرمان‌های ترک‌گرایی نیز بر سیاست خارجی ترکیه سایه افکند. از آنجا که ایدئولوژی ترک‌گرایی دارای جنبه‌های الحاق‌گرایانه و ضدایرانی است، ایران به هرگونه برنامه عملی ترکیه برای نزدیکی به منطقه حساس است و در صورت لزوم مانع آن می‌شود؛ مانند مخالفت شدید ایران با طرح واگذاری منطقه قره‌باغ به ارمنستان و گرفتن ناحیه جنوبی ارمنستان هم‌مرز ایران برای جمهوری آذربایجان (احمدی، ۱۳۸۸، صص ۱۵-۵).

نتیجه

سه ژنوم ژئوپلیتیک بر روابط ترکیه و ایران تأثیرگذار است. ترک‌گرایی، مشکل‌کرد و هیدروپلیتیک. با بهره‌گیری آزاد از مدل توصیف‌گر هالستی درباره سیاست خارجی (جهت‌گیری، نقش و هدف و اعمال) می‌توان چنین برداشت کرد که نقشه جغرافیایی ژنگان سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه، سبب‌ساز پیدایش تفاوت در زمینه جهت‌گیری و نقش ملی شده است. ترکیه در جستجوی ائتلاف اروپایی محور با نقش دولت رهبر منطقه - حافظ، منطقه - میانجی و پیونددهنده است. اما ایران همچنان به دولت الگو و مدافع باوری خاص به‌همراه جهت‌گیری نبود تعهد، وفادار است. رقابت دشمنی برانگیز با جهت‌گیری و نقش‌های متفاوت میان ایران و ترکیه درگیر شده است. اما از نظر هدف و اعمال، با همدیگر شباهت رفتاری بسیار دارند و از روش‌های کمابیش همانند بکار گرفتن نیرو (قدرت و توانایی و نفوذ) برای رسیدن به هدف‌ها (بلندمدت و میان‌مدت و حیاتی) بهره می‌برند.

منابع

الف- فارسی

۱. ابوالقاسمی، محمد جواد و حسین اردوش (۱۳۷۸)، *ترکیه در یک نگاه*، تهران: الهدی.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۵، زمستان، صص ۲۲-۱.

۳. اخباری، محمد و محمدحسین نامی (۱۳۸۸)، *جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴. اطاعت، جواد (۱۳۷۳)، *ژئوپلیتیک و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به قطب‌های قدرت جهانی در قرن بیستم*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۵. اعظمی، هادی (۱۳۸۵)، «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غربی آسیا)»، *ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱۵۴-۱۱۹.
۶. افضل‌ی، رسول و مجید حسینی (۱۳۸۷)، «بررسی تحولات ژئوپلیتیکی ترکیه و تأثیر آن بر ایران»، *ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۷۶-۱۵۱.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۹)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: نگاه معاصر، چاپ هشتم.
۸. برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۸، صص ۴۰-۲۳.
۹. پاپلی‌یزدی، محمدحسین و فاطمه وثوقی (۱۳۹۰)، *نگاهی به دیپلماسی آب ایران*، مشهد: پاپلی.
۱۰. ترابی، یوسف (۱۳۸۸)، «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۵۷-۱۱۵.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، «تحلیل کارکرد مرز بین‌المللی (مرز ایران و افغانستان)»، *مدرس علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ۴، صص ۷۸-۶۹.
۱۴. حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۸)، *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مؤسسه ابرار معاصر*.
۱۵. حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۰)، «هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه»، *سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۱، صص ۹۵-۸۱.
۱۶. چگینی‌زاده، غلامعلی و بهزاد خوش‌اندام (۱۳۸۹)، «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، *راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۵، صص ۲۲۰-۱۸۹.
۱۷. خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «بن‌مایه دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه غربی»، *مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه*، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، صص ۱۱۲-۹۴.
۱۸. دهی، امیر (۱۳۸۵)، «سرزمین‌های جهان اسلام: جمهوری ترکیه حدود جغرافیایی»، *اندیشه تقریب*، شماره ۶، صص ۵۶-۳۲.

۱۹. رضایی، محسن (۱۳۸۳)، «ایران محور هژمونیک و قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی»، **مجموعه مقالات نخستین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران**، صص ۱۲۰-۱۲.
۲۰. رفیع، حسین و حسین مظلومی (۱۳۹۱)، «موانع همگرایی ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۷۹-۹۸.
۲۱. زین العابدین، یوسف (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک (ایده- کاربرد)»، **مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران**، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، صص ۲۳۸-۲۱۲.
۲۲. سریع القلم، محمود (۱۳۸۶)، **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۳. سجادی پور، کاظم (۱۳۸۳)، «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران: تداوم و تغییر»، **مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران**، صص ۲۴۰-۲۲۴.
۲۴. صدر موسوی، میرستار و جواد دخیلی کهنمویی (۱۳۸۶)، «ارزیابی وضعیت تسهیلات گردشگری استان آذربایجان شرقی از دید گردشگران»، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۶۱، صص ۱۴۳-۱۲۹.
۲۵. طاهایی، جواد (۱۳۸۰)، «کمالیسم: عناصر بحران در نگرش سیاست خارجی ترکیه»، **راهبرد**، شماره ۲۱، صص ۱۱۰-۱۳۲.
۲۶. عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۳)، **ژئوپلیتیک**، تهران: سمت.
۲۷. قائم‌پناه، صمد (۱۳۹۰)، «تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه بعد از جنگ سرد (۲۰۰۸-۱۹۸۹)»، **مطالعات سیاسی**، شماره ۱۱، صص ۷۲-۹۰.
۲۸. قصاب‌زاده، مجید (۱۳۹۱)، «جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه خاورمیانه بزرگ»، **مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران**، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی صص ۳۲۰-۳۴۵.
۲۹. کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)**، تهران: جهاد دانشگاهی.
۳۰. کریمی پور، یدالله و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۱)، **ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری**، تهران: انتخاب.
۳۱. گل‌وردی، عیسی (۱۳۸۹)، «مرزها، آسیب‌ها و کارکردها»، **ره‌نامه سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی**، سال اول، شماره دوم، صص ۵۶-۸۸.
۳۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: سمت.

۳۳. میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید»، **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۱۳، صص ۲۴-۴۴.
۳۴. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی و لیلا جعفری (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره ۲، صص ۲۶۹-۲۲۵.

ب- انگلیسی

1. Aras, Bulent (2003), "Turkish Foreign Policy towards Iran: Foreign Policy", **Journal of Third World Studies**, Vol. xviii, No. 1, pp.105-124.
2. Bacik, Gokhan (2006), "Turkey and Pipeline Politics", **Turkish Studies**, Vol.7, No.2, June 2006, pp. 90-102.
3. Bishku, Michael B (2009), "NATO's Southeast: Turkey, Russia and the Southern Caucasus", Augusta State University, International Studies Association, Annual Meeting, Honolulu, Hawaii.
4. Cornell, Savant (2010), "Turkish Hubris: Has the Akp Government Overreached in its Foreign Policy?", **Turkey Analyst**, Vol.3 No.11, 7 June 2010, pp. 40-68.
5. Onis, Ziya, Bakir, Caner (2007), "Turkeys Political Economy in the Age of Financial Globalization :The Significancial of the EU Anchor", **South European Society and Politics**, Vol.12, No.2, pp. 64-82.
6. Ozertem, Hasan Selim (2010), "Energy Negotiations, Turkish-Russian Line Eurasia Review", available at:www.eurasiareview.com/17102011-energy-negotiations-over-turkish-russian-line-analysis و (Accessed on: 2012/04/02).
7. Sandrin, Paula (2009), "Turkish Foreign Policy after the End of Cold War: From Securitizing to Desecuritizing Actor", **Turkish Policy Quarterly**, Vol.14, No.3, pp.86-100.
8. Soyzal, Mumtaz (2004), **The Future of Turkish Foreign Policy**, edited by Leonore Martin and Dimstic Keridi, Cambridge: Mit Press.
9. Torbakov, Igor, (2008) "The Georgia Crisis and Russia-Turkey Relations", at: www.jamestown.Org/uploads/media/Georgia_crisis_to_Torbakov و (Accessed on: 24/5/2011).